**نام مقاله: ديدگاه ناشران درباره ثبات سياسي و اقتصادي حاكم بر نشر كتاب طي سالهاي 1383-1376**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 33 \_ شماره اول، جلد 9**

**پديدآور: دكتر محمد حسين دياني، نسترن تجدد**

**چكيده**

**در اين پژوهش، دو فرضيه زير مورد بررسي قرار گرفته است:**

**1. رشد سال افزون انتشار كتاب در سالهاي 1376 تا 1383، بيش از آنكه نمايانگر بي­ثباتي سياسي، اجتماعي و اقتصادي و شتابزدگي در حوزه نشر براي پاسخدهي به نيازهاي روزمرّه باشد، مبيّن ثبات نسبي حاكم بر دنياي نشر كتاب است كه برنامه­ريزي دقيق­تر، اجرا و سوددهي مناسب‌تر را ميسر ساخته است.**

**2. رشد كمّي انتشارات در سالهاي 1376 تا 1383، افزون بر موارد مندرج در فرضيه اول، تحت تأثير يكي يا تركيبي از عوامل و فوايد مادي، افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي، كتابهاي كودكان و كتابهاي سازمانهاي دولتي نيز بوده است:**

**تمامي كتابهاي منتشر شده طي سالهاي 1376 تا 1383 و نيز تمام ناشراني كه به‌طور متوسط هر سال 10 عنوان كتاب منتشر كرده و در هجدهمين نمايشگاه بين­المللي كتاب تهران (سال 1384) شركت داشته‌اند، جامعه آماري پژوهش را تشكيل داده‌اند.**

**چهار پرسش از فرضيه كلي كه مربوط به عوامل درون سازماني نشر بود مورد تأييد قرار گرفت و شش پرسش از فرضيه كلي كه مربوط به عوامل برون سازماني بود و بيشترين ارتباط را با ثبات اقتصادي، اجتماعي و سياسي نشر داشتند، مورد تأييد قرار نگرفت. اما در همه اين شش مورد، آمار موافقان در مقايسه با مخالفان (با حذف بي‌تفاوتها) بيش از 50% بود (دامنه 58% - 5/50%). بنابراين، با تقسيم عناصر متشكلة فرضيه كلي به دو خرده مقياس معيارهاي درون‌سازماني و برون‌سازماني، نتيجه گرفته شد كه خرده مقياس درون‌سازمانيِ فرضية كلي تأييد مي‌شود و خرده مقياس برون‌سازمانيِ آن تأييد نمي‌شود.**

**كليدواژه­ها: نشر كتاب، ناشران، ثبات سياسي، ثبات اقتصادي**

**مقـدمـه**

به گواهي آمار و اطلاعات مربوط به نشر كتاب در ايران، در دو برهه زماني كوتاه، با وجود عدم تغيير متناسب در بسياري از متغيرهاي تأثيرگذار (افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي ـ پژوهشي، افزايش تعداد دانشجويان و دانش‌آموختگان، افزايش بودجه­هاي تحقيقات و افزايش حمايتهاي قانوني و مالي دستگاههاي دولتي و افزايش باسوادان و تحصيل­كردگان)، بر تعداد انتشار كتابهاي فارسي به ميزان زيادي افزوده شده است. اولين دوره، سالهاي 1328 تا 1332 و دومين دوره سالهاي 1356 تا 1358 است. در اين دو دوره، جامعه دستخوش تغييرات سياسي شديد بوده، آزاديهاي بسياري براي نشر كتابها با هر محتوايي وجود داشته و باسوادان و بي­سوادان جامعه به كسب آگاهي از نظرهاي متفاوت براي درك انديشه­هاي گوناگون و تصميم­گيري، علاقه‌مند بوده­اند. در اين دوران، توجه عمومي به مطالعه كتابهايي بوده است كه در حوزه­هاي علوم اجتماعي و انساني براي پاسخگويي به نيازهاي فوري مردم به نگارش در آمده و منتشر مي‌شدند و مثلاً، آن‌گونه كه نورالله مرادي نوشته است: «در سال 1357 تعداد عناوين منتشر شده در حوزه علوم انگشت­شمار بوده است، در حالي كه بيش از صد ميليون نسخه كتاب در حوزه­هاي علوم اجتماعي و سياسي منتشر شد ...»(مرادي، 1358، ص 7ـ1).

به باور عبدالحسين آذرنگ، در بحرانهاي سياسي مانند بحرانهاي سالهاي 1328 تا 1332 و 1357 تا 1358 كه از تسلط دولت كاسته مي‌شود، به شدت بر حجم انتشار كتاب افزوده مي‌شود و با غلبه بر بحران سياسي، از حجم انتشار كتاب به شدت كاسته مي­گردد.

 در دوراني مانند دهه 1340 كه دوران نسبي ثبات و آرامش، رشد اقتصادي و فعاليتهاي علمي ـ فرهنگي بوده است نيز انتشار كتاب به لحاظ كميّت با رشد روبرو بوده است. گرچه اين رشد از شدتي قابل توجه برخوردار نبوده، اما در مقايسه با دورانهاي قبل از خود، كه گاه بسيار افزايش و گاه بسيار كاهش مي­يافته است، همواره سير صعودي داشته است. آذرنگ مي­نويسد: «هنگامي كه نوعي ثبات سياسي (به هر شكل) و نوعي ثبات اقتصادي كم­تورم حاكم مي­باشد، مانند سالهاي 1339 تا 1349، منحني انتشار كتاب به سير صعودي خود ادامه مي‌دهد» (آذرنگ، 1374، ص 50ـ37).

بسياري از مطالعات مربوط به رشد علم نيز مؤيد اين مطلب است كه علم و دانش در دوراني كه ثبات سياسي حاكم و اوضاع اقتصادي نسبتاً مناسب است، به بالندگي دست مي‌يابد كه نمودي از آن رشد انتشارات، بويژه انتشارات در حوزه­هاي علمي در قالب كتاب و مجله است.

توجه به تجربه تاريخي (دورانهاي بحرانهاي شديد سياسي و دورانهاي ثبات سياسي و اقتصادي) كه در بالا به آن اشاره شد، از يك سو و توجه به رشد قابل توجه تعداد عناويني كه در سالهاي 1376 تا 1383 منتشر شده است از سوي ديگر، اين انديشه را به ذهن مي­آورد كه احتمالاً در سالهاي بعد از 1376، نوعي ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي با تأثير مثبت بر دنياي نشر كتاب در ايران حاكم بوده است. در اين تحقيق، اين نوع برداشت در قالب فرضيه‌هاي زير مورد بررسي قرار مي‌گيرد.

1. رشد سال افزون انتشار كتاب در سالهاي 1376 تا 1383، بيش از آنكه نمايانگر بي­ثباتي سياسي، اجتماعي و اقتصادي و در نتيجه شتابزدگي در حوزه نشر براي پاسخدهي به نيازهاي روزمره باشد، مبيّن ثبات نسبي حاكم بر دنياي نشر كتاب است كه برنامه­ريزي دقيق­تر، اجرا و سوددهي مناسب‌تر را ميسر ساخته است.

2. رشد كمّي انتشارات در سالهاي 1376 تا 1383، افزون بر موارد مندرج در فرضيه اول، تحت تأثير يكي يا تركيبي از عوامل زير نيز بوده است:

الف) فوايد مادي متأثر از يارانه‌هاي دولتي (كاغذ، زينك، فيلم و مقوّا و خريدهاي كلّي وزارت ارشاد) براي ناشران و سهولت امكانات فنّي نشر.

ب) افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي و دانشجويان و در نتيجه انتشار زياد كتابهاي درسي و كمك‌درسي.

ج)آمار بالاي نشر كتابهاي كودكان

د) حضور تأثيرگذار سازمانهاي دولتي يا سازمانهاي حمايت مالي شده از سوي دولت، در عرصه نشر.

تحولي كه از سال 1376 در حوزه نشر كتاب و نيز مطبوعات در ايران به وقوع پيوسته و افزايش همه ساله تعداد عنوانهايي كه در هر دو اين حوزه­ها منتشر مي‌شود، نويددهنده آن است كه رفته رفته در حال تبديل شدن به جامعه‌اي علمي هستيم. افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي و پژوهشي، افزايش بودجه تحقيقات و افزايش تعداد دانشجويان و تحصيل­كردگان كه سه عامل از عاملهاي چهارگانه رشد علم و فناوري در هر كشور هستند، از سالهاي بسيار دور همواره در جريان بوده است، اما اين سه بدون تغيير متناسب در رشد تعداد انتشارات و وجود ثبات در اين رشد، اطمينان ما را به واقعيت يافتن شرايط رشد علم و فناوري بالا نبرده بود. با پديده رشد قابل توجه و سال افزون انتشار كتاب و نيز رشد نسبتاً بادوام مطبوعات در سالهاي بعد از 1376، كشور به چهار معيار لازم براي رشد علم و فناوري دست يافته است؛ زيرا هر چند آرام آرام، اما پيوسته در حال فقرزدايي از پديده تعداد عناوين كتابها و مطبوعاتي هستيم كه همه ساله در ايران منتشر مي­شوند.

در اين شرايط، كتابداران مانند ديگر حرفه­مندان ناگزيرند با مطالعه و پژوهش، با قواعد حاكم بر مواد، ابزارها و فرايندهايي كه با آنها سر و كار دارند، بيش از گذشته آشنا شوند. در حوزه كتابداري، مهم‌ترين ابزار و مواد، منابع مكتوب و غيرمكتوبي است كه كتابداران موظف به شناسايي قواعد حاكم بر توليد، توزيع و استفاده از آنها مي‌باشند.

هدفي كه در اين تحقيق دنبال مي‌شود، بر مورد اول يعني توليد كتاب تأكيد دارد و بر آن است تا بيش از گذشته علل و شرايطي را كه به رشد تعداد انتشار كتاب در كشور منجر مي‌شود و زمينه را براي رشد جايگاه كتابداري فراهم­تر مي‌سازد، بازشناسد. علل بسياري ممكن است در اين مورد دخالت داشته باشد، اما در اين تحقيق ديدگاه ناشران درباره علل اجتماعي (ثبات سياسي، اقتصادي) كه برنامه­­­­ريزي و اجراي برنامه را براي آنان ميسر مي‌سازد، بيش از موارد ديگر مورد توجه قرار گرفته است. در عين حال، همزمان با مورد قبلي، نقش چند عامل تأثيرگذار كه بيش از موارد ديگر در ادبيات حرفه به آنها اشاره مي‌شود، مورد بررسي قرار مي‌گيرد.

**پيشينة پژوهش**

در بررسي پژوهشهاي انجام شده در حوزه نشر، به موارد مشابه بسياري برمي­خوريم كه هريك با نگاهي متفاوت از زاويه‌اي خاص وضعيت نشر در زمانها و مكانهاي مختلف را بررسي نموده­اند، اما در همه پژوهشها بر نقش عوامل محيطي و اجتماعي در تأثيرگذاري بر اوضاع نشر تأكيد شده است:

براي مثال، عليرضا مهدياني و حسن مرتضوي طي يك طرح پژوهشي با عنوان «سيماي نشر كتاب در ايران طي دو دهه اخير»، به بررسي و تحليل وضعيت نشر در ايران پرداخته­اند. اين پژوهش از نوع مطالعات اسنادي است كه منابع ثانويه داده‌هاي مربوط به توليد و نشر كتاب را مبناي بررسي و تحليل خود قرار داده. هدف از اجراي اين طرح پژوهشي، تهيه منبعي از اطلاعات و آگاهي در مورد سير تحولات نشر كتاب در سالهاي پس از انقلاب بوده است تا با شيوه­اي علمي، مبنايي براي راهنمايي سياستها و تصميم­گيريهاي آينده فراهم شود. براي گردآوري اطلاعات كتابهاي منتشر شده، از كتاب كارنامه نشر و براي مقايسه روند نشر كتاب در ايران، با چند كشور منتخب از سالنامه­هاي آماري يونسكو استفاده شده است. يافته‌هاي اين طرح پژوهشي نشان ­مي‌دهد كه طي 24 سال گذشته يعني سالهاي 1357 تا 1381، جمعاً 249533 عنوان كتاب در ايران منتشر شده و نشر كتاب در اين مدت ميانگين نرخ رشدي حدود 22% داشته است. در اين دوره، ردة «دين» با 52634 عنوان كتاب و 1/21% سهم از كل كتابهاي منتشر شده، در رديف نخست و ادبيات و علوم عملي به ترتيب با 6/20% و 1/12% سهم، در رديفهاي دوم و سوم قرار گرفته­اند. رده­هاي كليات، فلسفه، روانشناسي و هنر با برخورداري از كمترين سهم، مرتبه‌هاي پاياني اين مقايسه را احراز نموده­اند. از لحاظ نرخ رشد آمار نشر، طي اين دوره، دو رده دين و علوم عملي بيشترين و رده تاريخ و جغرافيا كمترين نرخ رشد را داشته‌اند.

مهم‌ترين متغير اثرگذار بر افت و خيزها و تحولات آمار نشر كتاب در ايران، تحولات اجتماعي ذكر شده كه پس از انقلاب اسلامي در ايران رخ داده است. در سالهاي نخستين پس از انقلاب، بالاترين نرخ رشد در نشر كتاب ديده مي‌شود (ميانگين 52% )، پس از آن، همزمان با دوران جنگ تحميلي دوره ركود فرا مي­رسد (ميانگين نرخ رشد 5%)، در فاصله سالهاي 1368 تا 1375 شاهد بهبود در آمار نشر كتاب هستيم كه اين آمار با ميانگين نرخ رشد 10%، دوباره در حال رونق گرفتن است. در سالهاي 1376 تا 1381 نرخ رشد توليد كتاب آهنگي تندتر به خود مي‌گيرد (ميانگين12%).

در بخش پاياني اين پژوهش نيز روند آمار نشر كتاب در ايران با كشورهاي مصر، تركيه، مالزي، فرانسه و انگليس مقايسه شده است. اين مقايسه نشان مي‌دهد كه طي سالهاي 1992 تا 1995 ميلادي (74ـ1371) ايران با متوسط آمار نشر 9221 عنوان، در اين مجموعه همواره در رديف سوم قرار داشته و از سه كشور تركيه، مصر و مالزي جايگاه برتري داشته است. در همين دوره، كشور انگلستان در اين مجموعه با متوسط انتشار سالانه 105015 عنوان، در رديف نخست جاي دارد. كشور فرانسه، با متوسط انتشار سالانه 50457 عنوان (حدود نصف آمار نشر انگلستان) در رديف دوم است. كشور مصر نيز با متوسط انتشار سالانه 2574 عنوان، در آخرين رديف قرار گرفته است (مهدياني و مرتضوي، 1382).

«هنري چاكاوا»[[3]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn3%22%20%5Co%20%22) نيز در يك طرح پژوهشي با عنوان «صنعت نشر كنيا: بي­نيازي و وابستگي»[[4]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn4%22%20%5Co%20%22)، به بازنمايي و شرح ريشه­ها، موفقيتها و ضعفها و مشكلات و چالشهاي صنعت نشر كتاب در كنيا پرداخته است. در اين پژوهش، وضعيت ناشران و ميزان انتشارات اين كشور در زمينه­هاي مختلف موضوعي مورد بررسي قرار گرفته است. بررسي زمينه­هاي موضوعي منتشر شده در اين كشور نشان مي‌دهد كه كتابهاي مذهبي بيشترين و كتابهاي با موضوع كليّات كمترين حجم انتشار را تشكيل داده‌اند. انتشار كتابهاي كودكان و نوجوانان در حال گسترش و افزايش است و كتابهاي علمي و تحقيقاتي كمتر در خود كشور منتشر شده و بيشتر، از ساير كشورها به كنيا وارد مي­شوند.

يافته‌هاي اين طرح پژوهشي نشان مي‌دهد كه سياستهاي دولتي براي كنترل، نظارت، هماهنگي و قانونگذاري صنعت نشر در اين كشور موجود نيست و اين صنعت از حمايتهاي دولتي در جهت اصلاح سيستم و ساختار برخوردار نمي‌باشد. صنعت نشر كنيا تنها زماني مي‌تواند به استقلال و بي­نيازي برسد كه توسط دولت حمايت و كنترل شود و طرحهايي كه براي توسعه اين صنعت طراحي مي­شوند، تصويري از نيازها و كمبودهاي فعلي اين صنعت را در خود منعكس كند. عادت به مطالعه و كتابخواني در اين كشور در سطح پاييني است و تعداد نيروهاي آموزش ديده و حرفه­اي در حوزه­هايي مانند ويرايش، طراحي، توليد و بازاريابي كتاب بسيار كم است. عمده­ترين مشكل ناشران در اين كشور، كمبود سرمايه است. به همين دليل، توليد يك كتاب از زماني كه نويسنده آن را به ناشر تحويل مي‌دهد تا زماني كه ناشر آن را به چاپ مي­رساند، ممكن است چند سال به طول بينجامد در نتيجه، ناشران بزرگ كنيا انگيزه كافي در كار خود ندارند.

 كنيا 40% از كتابهاي علمي مورد نياز خود را از ديگر كشورها وارد مي‌كند. بنابراين، انتشار كتابهاي دانشگاهي، فني و كتابهاي مرجع بايد توسط ناشران محلي مورد توجه قرار گيرد و مدارس و دانشگاهها و مراكز آموزشي از نظر نياز به منابع اطلاعاتي نيازسنجي شوند.

در بخش پاياني اين پژوهش نتيجه­گيري شده كه صنعت نشر كنيا بايد به سوي مستقل شدن پيش برود و راهكارهايي براي دسترسي به اين هدف ذكر شده كه عبارتند از:

- توجه به وضعيت موجود و استفاده از حداكثر توان و قابليتهاي داخل كشور جهت بهبود وضعيت فعلي.

- مشاركت دولت در جهت بهبود وضعيت فعلي و وضع قوانين و مساعد كردن محيط و كاهش قيمت كاغذ.

- ايجاد سازمانهاي حرفه­اي توليد، نشر و توزيع كتاب كه بتوانند در عين رقابت، به همكاري نزديك با يكديگر بپردازند.

- صنعت نشر موجود توسط افراد حرفه­اي آموزش ديده و متخصص كه مهارت مديريتي نيز دارند، مورد بررسي قرار بگيرد (Chakava, 1996).

**ديدگاه ناشران دربارة ثبات سياسي و اقتصادي حاكم بر نشر كتاب ...**

**جامعه آماري، تعداد نمونه**

جامعه آماري اين پژوهش، تمامي كتابهاي منتشر شده در فاصله سالهاي 1376 تا 1383 است. نيز تمام ناشراني هستند كه طي اين سالها به طور متوسط هر سال 10 كتاب منتشر كرده و در هجدهمين نمايشگاه بين­المللي كتاب تهران (1384) شركت داشته‌اند. تعداد اين ناشران 127 مورد است. شايان ذكر است تمامي ناشراني كه به طور متوسط ساليانه 10 كتاب منتشر كرده بودند، در اين نمايشگاه نيز حضور داشتند.

**چگونگي گردآوري اطلاعات**

براي گردآوري اطلاعات مربوط به تعداد كتابها، ابتدا منابعي كه آمار كتابهاي منتشر شده در ايران را دارا مي‌باشند، مورد بررسي قرار گرفت. اين منابع عبارتند از:

ـ نشريات كتابشناسي ملي ايران

ـ كتابهاي كارنامه نشر، منتشر شده توسط خانه كتاب تهران

ـ لوحهاي فشرده كتابشناسي ملي ايران

ـ لوحهاي فشرده كتيبه، منتشر شده توسط خانه كتاب تهران

ـ اطلاعات موجود در بانك اطلاعاتي خانه كتاب تهران

ـ سالنامه­هاي آماري يونسكو.

با بررسي و مطالعه ويژگيها و قابليتهاي هريك از منابع فوق و با نظر به نوع طبقه‌بندي، دقت عمل نسبي در ثبت، روزآمدي و دامنه پوشش زماني، مشخص شد اطلاعات موجود در بانك اطلاعاتي خانه كتاب نسبت به ساير موارد جامعيت بيشتري دارد.

بنابراين در پژوهش حاضر از بانك اطلاعاتي خانه كتاب به عنوان منبع آمار رسمي نشر كتاب در كشور، استفاده شده است؛ بدين ترتيب كه با استفاده از امكان گزارش­گيري بر اساس فيلد تاريخ نشر، گزارشي از تعداد كل كتابهاي منتشر شده در هر يك از سالهاي 76 تا 83 تهيه گرديد.

 از آنجا كه هنگام ورود اطلاعات، كتابهاي كودكان و كمك‌درسي، با زدن علامت در فيلدهاي مربوط (فيلد كودكان و كمك‌درسي) از ساير كتابها تفكيك مي‌شوند، امكان گزارش‌گيري بر اساس اين دو مشخصه نيز در اين بانك اطلاعاتي منظور گرديده است. با استفاده از اين امكان، تعداد كتابهاي كودكان و كمك‌درسي در هر يك از سالهاي مورد مطالعه مشخص گرديد، ولي از آنجا كه طي سالهاي 76 و 77، بانك اطلاعات كتاب فاقد فيلد مشخص كننده كتابهاي كمك‌درسي بود، تعيين آمار كتابهاي كمك‌درسي طي سالهاي 1376 و 1377 به روشي ديگر انجام شد؛ بدين ترتيب كه پس از گزارش‌گيري كلي از عناوين و مشخصات كتابهاي اين دو سال بر اساس رده‌بندي ديوئي و بررسي مشخصات تك‌تك كتابها، تعداد عناوين كمك‌درسي مشخص گرديد.

در مورد كتابهاي درسي و آموزشي، با مراجعه به بانك اطلاعاتي ناشران[[5]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn5%22%20%5Co%20%22)، ابتدا گزارشي از نام ناشراني كه زمينه فعاليت آنها كتابهاي آموزشي و دانشگاهي است، گرفته شد. سپس گزارشي از تعداد كتابهاي منتشر شده توسط اين ناشران در هر يك از سالهاي 76 تا 83 تهيه گرديد.

براي اطلاع از آمار كتابهاي ناشران دولتي طي دوره هشت ساله مورد مطالعه، گزارش نام ناشران دولتي از بانك اطلاعاتي ناشران تهيه و سپس از بانك اطلاعاتي كتاب، گزارش تعداد كتابهاي منتشر شده توسط اين ناشران، گرفته شد.

اسامي ناشراني كه به طور متوسط هر سال 10 كتاب منتشر كرده بودند، نيز از بانك اطلاعات كتاب گرفته شد.

به منظور گردآوري اطلاعات مربوط به تعداد دانشگاهها و دانشجويان دانشگاههاي دولتي، پس از بررسي و مقايسه اطلاعات مربوط به دانشجويان و دانشگاهها در سالنامه آماري ايران و كتابهاي آمار آموزش عالي، تهيه شده توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ريزي آموزش عالي، به دليل جامع‌تر بودن آنها نسبت به سالنامه آماري، از كتابهاي آمار آموزش عالي منتشر شده طي سالهاي 1376 تا 1383 استفاده شد. آمار مربوط به تعداد واحدهاي دانشگاه آزاد اسلامي و تعداد دانشجويان آن طي اين سالها، مستقيماً از اداره فناوري اطلاعات و ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامي دريافت گرديد.

براي كسب اطلاعات در مورد يارانه‌هاي دولتي در حوزه نشر و چگونگي تخصيص آن به مقوله­هاي مختلف، مصاحبه انجام گرفت.

براي بررسي تأثير ثبات يا بي‌ثباتي سياسي، اجتماعي و اقتصادي بر حوزه نشر از ديدگاه ناشران، از پرسشنامه‌اي با 15 پرسش طيف‌دار (به شرح پيوست 1) استفاده شد. بر اساس طيف ليكرت، پاسخهاي پرسشنامه در طيفي 5 قسمتي شامل گزينه‌هاي: كاملاً موافق، موافق، بي‌تفاوت، مخالف و كاملاً مخالف، تنظيم شد. به منظور سنجش ميزان روايي و پايايي، ابتدا پرسشنامه به نمونه‌اي از ناشران (شامل 20 ناشر) كه به طور تصادفي انتخاب شده بودند، تقديم شد. پس از آن، تحليل پاسخهاي داده شده با استفاده از فرمول آلفاكرونباخ، ضريب 7664/0 را به نمايش گذارد كه بيانگر ثبات دروني و پايايي خوب پرسشنامه بود. پرسشنامه‌ها در هجدهمين نمايشگاه بين‌المللي كتاب تهران، بين ناشران جامعه آماري (127 ناشر) توزيع شد كه از اين تعداد، فقط به 86 پرسشنامه پاسخ داده شد. 26 پرسشنامه ديگر با مراجعه مستقيم پژوهشگر به دفاتر انتشاراتي و تقديم پرسشنامه به ناشران، تكميل و جمع‌آوري شد.

گفتني است، تمامي پرسشنامه‌ها در حضور پژوهشگر پاسخگويي شد. حضور پژوهشگر و ارائه توضيحات در مواقعي كه فهم پرسش براي پاسخگو دشوار بود، مانع از ايجاد هرگونه شبهه و برداشت نادرست از پرسشها توسط ناشران پاسخگو شد.

**تحليل استنباطي يافته‌ها**

داده‌هاي به‌دست آمده از طريق پرسشنامه‌ها، براي هر يك از سؤالها به طور جداگانه، در جدولهاي توزيع فراواني ارائه گرديد و نمودارهاي مربوط به هر يك ترسيم شد. به منظور تحليل داده‌ها، از آمار توصيفي و آمار استنباطي مناسب تحليل پرسشنامه‌هاي طيف‌دار و آمار مناسب براي تعيين همبستگي احتمالي بين رشد انتشار كتاب با رشد تعداد دانشجويان، مؤسسه‌هاي آموزشي، تعداد كتابهاي درسي، كمك‌درسي، كودكان و كتابهاي ناشران دولتي استفاده شد. بدين منظور، براي پاسخ به هر يك از پرسشها، درصد فراواني، ميانگين و "مجذور كاي" x2)( محاسبه و نتايج به‌ دست آمده در جدولهاي جداگانه براي هر سؤال گنجانده شد. همچنين، بين پاسخ مجموعه پرسشهاي بررسي‌كننده ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي با تك­تك پرسشهاي ديگر، "ضريب همبستگي پيرسون" محاسبه گرديد. اين ضريب بين تعداد كل كتابهاي منتشر شده طي سالهاي 1376 تا 1383 با تعداد مؤسسه‌هاي آموزش عالي دولتي و آزاد و دانشجويان آنها و تعداد كتابهاي درسي، كمك‌درسي، كودكان و كتابهاي ناشران دولتي نيز محاسبه و ضرايب محاسبه شده در جدولهاي مربوط ارائه شد.

**آزمون فرضيه‌ها**

در اين پژوهش، براي رد يا اثبات فرضيه‌ها به ترتيب زير عمل شده است:

**فرضيه اول:** با بررسي پاسخ پرسشهاي 1، 2، 3، 4، 5، 10، 11، 12، 13 و 14 در پرسشنامه

**فرضيه دوم، قسمت الف:** با بررسي پاسخهاي داده شده به پرسشهاي 6، 7 و 9

**فرضيه دوم، قسمت ب:** با بررسي پاسخهاي پرسش 8 و نيز محاسبه ميزان همبستگي آمار دانشجويان و مراكز آموزش عالي و آمار مربوط به تعداد كتابهاي درسي و كمك‌درسي، طي سالهاي 1376 تا 1383، با تعداد كل كتابهاي منتشر شده در اين سالها.

**فرضيه دوم، قسمت ج:** با بررسي پاسخهاي ناشران به پرسش 15 و نيز محاسبه ضريب همبستگي بين آمار كتابهاي كودكان و نوجوانان و تعداد كل كتابهاي منتشر شده طي سالهاي 1376 تا 1383.

**فرضيه دوم، قسمت د:** از طريق محاسبه همبستگي آمار كتابهاي ناشران دولتي و كل كتابهاي منتشر شده طي سالهاي 1376 تا 1383.

پاسخ هر يك از پرسشها در برگيرنده طيفي شامل آراي كاملاً موافق، موافق، بي‌تفاوت، مخالف، كاملاً مخالف بود كه فراواني افراد داراي هر يك از اين آرا، براي هر سؤال در جدول شماره 1 نشان داده شده است.

**جدول1. توزيع فراواني پاسخهاي ارائه شده به هر سؤال در طيف پنج­ بخشي**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سؤالها** | **كاملاً موافق** | **موافق** | **بي‌تفاوت** | **مخالف** | **كاملاً مخالف** |
| 1 | 40 | 50 | 6 | 9 | **1** |
| 2 | 24 | 53 | 4 | 19 | 6 |
| 3 | 27 | 41 | 12 | 20 | 6 |
| 4 | 5 | 49 | 13 | 25 | 14 |
| 5 | 30 | 55 | 8 | 11 | 2 |
| 6 | 16 | 43 | 25 | 14 | 8 |
| 7 | 30 | 53 | 9 | 12 | 2 |
| 8 | 16 | 38 | 35 | 12 | 5 |
| 9 | 14 | 48 | 10 | 14 | 20 |
| 10 | 15 | 32 | 20 | 28 | 11 |
| 11 | 14 | 30 | 19 | 34 | 9 |
| 12 | 13 | 34 | 24 | 23 | 12 |
| 13 | 13 | 33 | 22 | 26 | 12 |
| 14 | 11 | 39 | 18 | 30 | 8 |
| 15 | 15 | 35 | 33 | 14 | 9 |

مجذور كاي محاسبه شده براي پاسخها نيز مطابق جدول 2 است:

**جدول2. مجذور كاي محاسبه شده براي سؤالهاي پرسشنامه**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سؤالها** | **مجذور كاي** | **درجه آزادي** | P |
| 1 | 962/92 | 4 | 000/0 |
| 2 | 151/73 | 4 | 000/0 |
| 3 | 038/35 | 4 | 000/0 |
| 4 | 132/55 | 4 | 000/0 |
| 5 | 057/88 | 4 | 000/0 |
| 6 | 038/35 | 4 | 000/0 |
| 7 | 755/79 | 4 | 000/0 |
| 8 | 943/39 | 4 | 000/0 |
| 9 | 755/44 | 4 | 000/0 |
| 10 | 472/14 | 4 | 006/0 |
| 11 | 075/21 | 4 | 000/0 |
| 12 | 415/15 | 4 | 004/0 |
| 13 | 849/14 | 4 | 005/0 |
| 14 | 208/32 | 4 | 000/0 |
| 15 | 830/26 | 4 | 000/0 |

**فرضيه اول**

به منظور بررسي فرضيه اول، پاسخهاي ارائه شده به اين 10 سؤال مربوط به اين فرضيه يكجا تحليل شد:

**ديدگاه ناشران دربارة ثبات سياسي و اقتصادي حاكم بر نشر كتاب ...**

**جدول3. توزيع فراواني پاسخ سوالهاي مربوط به ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **سؤالها** | **كاملاً موافق** | **موافق** | **بي‌تفاوت** | **مخالف** | **كاملاً‌ مخالف** | **تعداد** |
| 1 | 40 | 50 | 6 | 9 | 1 | 106 |
| 2 | 24 | 53 | 4 | 19 | 6 | 106 |
| 3 | 27 | 41 | 12 | 20 | 6 | 106 |
| 4 | 5 | 49 | 13 | 25 | 14 | 106 |
| 5 | 30 | 55 | 8 | 11 | 2 | 106 |
| 10 | 15 | 32 | 20 | 28 | 11 | 106 |
| 11 | 14 | 30 | 19 | 34 | 9 | 106 |
| 12 | 13 | 34 | 24 | 23 | 12 | 106 |
| 13 | 13 | 33 | 22 | 26 | 12 | 106 |
| 14 | 11 | 39 | 18 | 30 | 8 | 106 |
| **مجموع** | **192** | **416** | **146** | **225** | **81** | **1060** |
| **درصد** | **1/18** | **24/39** | **8/13** | **22/21** | **64/7** | **100** |

چنانكه كه در جدول شماره 3 مشاهده مي‌شود، در مجموع 34/57% از ناشران (آراي موافق و كاملاً موافق) وجود ثبات نسبي سياسي، اجتماعي و اقتصادي حاكم بر جامعه را طي سالهاي 1376 تا 83 قبول دارند و 86/28% از آنان (ناشران مخالف و كاملاً مخالف) نيز حاكميت ثبات نسبي بر جامعه را تأييد نكرده‌اند. در عين حال 8/13% راي بي‌تفاوت، بويژه براي برخي از سؤالها، اين نكته را به ذهن مي‌آورد كه ناشران نيز نتوانسته‌اند در مورد برخي سؤالها نظر قاطع خود را اعلام كنند. اين مورد مي‌تواند ناشي از واقعيات، ناآگاهي يا محافظه‌كاري باشد. هر يك از اين موارد كه دخالت داشته باشند، موجب شده‌اند كه مقدار كاي در مرز ثبات و بي‌ثباتي، در نوسان نشان داده شود.

براي كاهش ميزان ابهام، به فراواني‌هاي مندرج در جدول 3 بيشتر توجه شد. همان‌طور كه در جدول شماره 3 مشاهده مي‌شود، در توزيع نظرها، تفاوتهاي بسياري وجود دارد. بويژه فراواني گزينه «بي‌تفاوت» در مواردي قابل توجه است. وجود اين دو مورد، دستيابي به تفاوت بين نظرهاي موافق و مخالف را بر اساس مربع كاي 5 خانه‌اي، با ابهام مواجه مي‌سازد. بر اين اساس، با حذف بي‌تفاوتها و محاسبه مجذور كاي جمع گروه موافق به بالا و مخالف به بالا كه نتايج آن در جدول3ـ1 نشان داده شده است، اطلاعات بيشتري به دست آمد كه پس از درج جدول به شرح آن پرداخته مي‌شود.

**ديدگاه ناشران دربارة ثبات سياسي و اقتصادي حاكم بر نشر كتاب ...**

**جدول3ـ1. توزيع فراواني و P گروه موافق به بالا و مخالف به بالا**

**در پاسخ سؤالهاي مربوط به ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **سؤالها** | **مجموع موافق و كاملاً موافق** | **مجموع مخالف و كاملاً مخالف** | P |
| 1 | 90 | 10 | 000/0=P |
| 2 | 77 | 25 | 000/0=P |
| 3 | 68 | 26 | 000/0=P |
| 4 | 54 | 39 | 1155/0=P |
| 5 | 85 | 13 | 000/0=P |
| 10 | 47 | 39 | 3926/0=P |
| 11 | 44 | 43 | 9111/0=P |
| 12 | 47 | 35 | 1816/0=P |
| 13 | 46 | 38 | 3868/0=P |
| 14 | 50 | 38 | 1977/0=P |

چنانكه در جدول 3ـ1 قابل مشاهده است، جمع موافقان در 4 مورد به شكل معنا‌داري از جمع مخالفان بيشتر است كه مؤيد آن قسمت از فرضيه اصلي است كه با خود ناشران در پيوند تنگاتنگ است. اين موارد عبارتند از موارد مندرج در پرسشهاي:

1.طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه با حوصله و صبر آثاري را براي نشر انتخاب كنم.

2. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه طبق برنامه­اي منظم و نسبتاً دقيق به كار نشر بپردازم.

3. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه تعداد بيشتري از انتشاراتم را در زمان‌بندي خاص منتشر كنم.

5. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه انگيزه نشر آثار باارزش ديگر در من وجود داشته باشد.

در 6 مورد، ديگر تفاوت موافقان و مخالفان معنادار نيست. اين 6 مورد همگي به شرايط برون سازماني ناشران مربوط است. به اين موارد در پرسشهاي زير اشاره شده است:

4. طي هشت سال گذشته، اين امكان فراهم بوده كه از ثبات نسبي كه بر كار نشر حاكم بوده است، راضي باشم

10. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه از تغييرات شديد وضعيت اجتماعي و در نتيجه بي‌مصرف شدن آنچه در دست انتشار دارم، نگران نباشم.

11. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه از تغييرات شديد وضعيت اقتصادي و در نتيجه از دست رفتن بازار آنچه در دست انتشار دارم، نگران نباشم.

12. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه از تغييرات شديد سياسي و در نتيجه ايجاد مانع براي آنچه كه منتشر كرده و يا در دست انتشار دارم، نگران نباشم.

13. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه از تغييرات شديد قوانين و آيين‌نامه‌ها و سردرگمي حاصل از اين تغييرات، نگران نباشم.

14. طي هشت سال گذشته اين امكان فراهم بوده كه رشد قابل توجه و سال افزون عناوين كتابها را دليل وجود بازاري نسبتاً مناسب تلقي كنم.

بنابر موارد بالا، عوامل درون سازماني مطرح در اين تحقيق مثبت و عوامل برون سازماني در كل نه مثبت و نه منفي تلقي شده. اين موارد به دو گونه مي‌تواند تفسير شود؛ نخست اينكه تغييرات در عوامل بيروني گاه مثبت و گاه منفي بوده است كه در كل به ميانگين متوسط انجاميده است كه نه مي‌توان آن را بد و نه مي‌توان خوب تلقي كرد. اما بنا بـه شـواهـد منـدرج در جـدول 3ـ1، همـواره بـيـشتر از 50% افراد نظر موافق داشته‌اند تا نظر

مخالف كه هم‌جهت با ادعاي فرضيه است.

در جدول شماره 4، مجموع فراواني آراي داده شده به 10 سؤال مذكور، كه در جدول بالا محاسبه شد، وزن‌دهي شده است؛ يعني به هر رأي كاملاً موافق 5 امتياز، به هر رأي موافق 4، رأي بي‌تفاوت 3، رأي مخالف 2 و به هر رأي كاملاً مخالف 1 امتياز داده شده و سپس درصد هر يك محاسبه شده است:

**جدول4. توزيع مجموع فراواني‌هاي وزن‌دهي شده براي پاسخ سؤالهاي**

**مربوط به ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي**

|  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|   | **كاملاً موافق****(5 امتياز)** | **موافق****(4 امتياز)** | **بي‌تفاوت****(3 امتياز)** | **مخالف****(2 امتياز)** | **كاملاً مخالف****(1 امتياز)** | **مجموع** |
| مجموع فراواني وزن‌دهي شده براي پاسخ 10 سؤال | 960 | 1664 | 438 | 450 | 81 | 3593 |
| درصد | 7/26 | 31/46 | 2/12 | 52/12 | 25/2 | 100 |

همان‌طور كه ملاحظه مي‌شود، پس از وزن‌دهي پاسخها نيز، امتياز افرادي كه پاسخ مثبت داده‌اند بيشتر از امتياز افرادي است كه پاسخ منفي داده‌اند؛ بدين ترتيب كه در مجموع 01/73% از وزنها به ناشراني اختصاص دارد كه وجود ثبات نسبي را تأييد كرده و77/14 درصد وزنها نيز به آن دسته از ناشران تعلق گرفته كه به وجود اين ثبات، رأي مخالف و كاملاً مخالف داده‌اند كه اين نيز دليلي ديگر بر گرايش به تأييد فرضيه وجود ثبات نسبي سياسي، اجتماعي و اقتصادي در اين دوره است.

از طرفي، به هر يك از اين 10 پرسش، 106 نفر پاسخ داده‌اند (جدول صفحه قبل). بنابراين، در مجموع 1060 نفر به همه اين 10 پرسش پاسخ داده‌اند. اگر تمامي اين افراد نظر كاملاً مخالف داشتند، با توجه به اينكه امتياز 1 براي راي كاملاً مخالف در نظر گرفته شده، مجموع فراواني وزن‌دهي شده پاسخها، 1060 (1060=1\*1060) مي‌شد و اگر همه افراد رأي كاملاً موافق داشتند، با توجه به امتياز در نظر گرفته شده براي رأي كاملاً موافق (5)، مجموع فراواني وزندهي شده 5300 (5300=5\*1060) مي‌شد كه در واقع بيشترين مجموع امتياز فراواني ممكن براي اين سؤالهاست. در صورتي كه جمع فراواني واقعي پاسخ سؤالها، پس از وزن‌دهي عدد 3593 محاسبه شده است؛ يعني اگر 100 درصد افراد، در مورد اين پرسشها، رأي كاملاً موافق داشتند، مجموع فراواني وزن‌دهي شده آنان عدد 5300 به‌دست مي­آمد، حالا كه اين مجموع عدد 3593 به‌دست آمده، معلوم مي‌شود كه 79/67% افراد رأي كاملاً موافق داشته و از نظر آنان در هشت سال گذشته ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي بر جامعه حاكم بوده است.

بين مجموع فراواني‌هاي محاسبه شده در 10 سؤالي كه فرضيه ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي را اثبات كرد و 5 پرسش ديگر پرسشنامه؛ يعني در واقع بين وجود ثبات (سياسي، اجتماعي و اقتصادي) و تعلق يارانه‌هاي دولتي به ناشران، سهلتر شدن امكانات فني نشر، افزايش تعداد مؤسسه‌هاي آموزشي و دانشجويان و در نتيجه افزايش نياز به كتابهاي درسي و كمك‌درسي، خريد كتاب از ناشر براي كتابخانه‌ها توسط وزارت ارشاد و نيز افزايش تعداد كل كتابها، متأثر ازكتابهاي كودكان، ضريب همبستگي پيرسون محاسبه شد كه نتايج به‌دست آمده به شرح جدول شماره 5 است.

**جدول5. ضريب همبستگي سؤالهاي مربوط به ثبات با 5 سؤال ديگر پرسشنامه**

|  |  |
| --- | --- |
| **وجود ثبات سياسي** |  |
| 863/0 | ضريب همبستگي | **بهره‌مندي ناشران از يارانه‌هاي دولتي** **در حوزه نشر** |
| 60/0 | P |
| 5 | تعداد |
| ×917/0 | ضريب همبستگي | **آسان‌ترشدن و در اختيار داشتن** **امكانات فني نشر** |
| 029/0 | P |
| 5 | تعداد |
| 629/0 | ضريب همبستگي | **افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي** **و تعداد دانشجويان** |
| 255/0 | P |
| 5 | تعداد |
| 825/0 | ضريب همبستگي | **خريد كتاب از ناشر براي كتابخانه‌ها** **توسط وزارت ارشاد** |
| 086/0 | P |
| 5 | تعداد |
| 609/0 | ضريب همبستگي | **افزايش تعداد كل كتابها تحت تأثير** **كتابهاي كودكان و نوجوانان** |
| 276/0 | P |
| 5 | تعداد |

بر اساس نتايج به‌ دست آمده از آزمون همبستگي پيرسون كه در جدول شماره 5 آمده است، بين وجود ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي از يك طرف و سهولت امكانات فني نشر، رابطه‌اي مستقيم و معنادار وجود دارد؛ بدين معنا كه از نظر ناشران در شرايط ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي، امكانات فني نشر بهبود يافته و راحت‌تر در اختيار آنان قرار مي‌گيرد. ولي تعلق يارانه‌هاي دولتي و خريد كتاب توسط دولت از ناشر و نيز افزايش تعداد مؤسسه‌هاي آموزشي، ارتباطي مستقيم و معنادار با ثبات شرايط سياسي، اجتماعي و اقتصادي حاكم بر جامعه ندارد. همچنين، از ديد ناشران، در شرايط ثبات سياسي، اجتماعي و اقتصادي، افزايش تعداد كتابهاي منتشر شده در كشور، رابطه‌اي با رشد تعداد عناوين كتابهاي كودك ندارد.

**فرضيه دوم**

درستي قسمت الف از فرضيه دوم، با توجه به تعداد موافقان و مخالفان پرسشهاي 6، 7 و 9 و مجذور كاي محاسبه شده براي پاسخهاي هر يك از اين سه پرسش، ثابت شد.

هر چند درستي قسمت ب تا حدي توسط ناشران تأييد و در مورد آمار كتابهاي كودكان نيز از آنان نظرخواهي شد، اما به منظور اثبات درستي قسمتهاي ب، ج و د، از فرضيه دوم به كمك آمار دقيق، ابتدا جدولهايي از آمارهاي زير، ارائه شده است:

- تعداد دانشگاهها و مراكز آموزش عالي دولتي و دانشجويان اين مراكز طي سالهاي تحصيلي 77-1376 تا 83-1382

- تعداد واحدهاي دانشگاهي دانشگاه آزاد اسلامي و دانشجويان آنها طي سالهاي تحصيلي 77 - 1376 تا 84-1383

- تعداد كتابهاي درسي طي سالهاي 1376 تا 1383

- تعداد كتابهاي كمك‌درسي طي سالهاي 1376 تا 1383

- تعداد كتابهاي كودكان و نوجوانان طي سالهاي 1376 تا 1383

- تعداد كتابهاي منتشر شده توسط ناشران دولتي طي سالهاي 1376 تا 1383

- تعداد كل كتابهاي منتشر شده در كشور طي سالهاي 1376 تا 1383

**جدول6. تعداد دانشگاهها و مراكز آموزش عالي دولتي**

**و تعداد دانشجويان آنها طي سالهاي 83-76****[[6]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn6%22%20%5Co%20%22)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **سال تحصيلي** | **تعداد مراكز آموزش عالي دولتي** | **تعداد دانشجويان** |
|  77 ـ 1376 | 256 | 625380 |
| 78 ـ 1377      | 256 | 638913 |
|  79 ـ 1378  | 256 | 678652 |
| 80 ـ 1379  | 275 | 733527 |
| 81 ـ1380 | 297 | 759870 |
| 82 ـ 1381 | 298 | 809567 |
| 83 ـ1382 | 292 | 923913 |

**جدول7. تعداد واحدهاي دانشگاه آزاد اسلامي**

**و تعداد دانشجويان آنها طي سالهاي 83-76****[[7]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn7%22%20%5Co%20%22)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **سال تحصيلي** | **تعداد واحدهاي دانشگاهي** | **تعداد دانشجويان**  |
| 77-1376 | 152 | 659220 |
| 78-1377 | 157 | 866529 |
| 79-1378 | 173 | 726228 |
| 80-1379 | 190 | 843473 |
| 81-1380 | 205 | 806739 |
| 82-1381 | 221 | 904869 |
| 83-1382 | 253 | 968206 |
| 84-1383 | 278 | 1098230 |

**جدول8. تعداد كتابهاي درسي و آموزشي منتشر شده طي سالهاي 83-76**

|  |  |
| --- | --- |
| **سال** | **تعداد كتابهاي درسي** |
| 1376 | 2583 |
| 1377 | 2723 |
| 1378 | 3246 |
| 1379 | 3933 |
| 1380 | 4397 |
| 1381 | 5351 |
| 1382 | 5811 |
| 1383 | 5718 |

**جدول9. تعداد كتابهاي كمك‌درسي منتشر شده طي سالهاي 83-76**

|  |  |
| --- | --- |
| **سال** | **تعداد كتابهاي كمك‌درسي** |
| 1376 | 2176 |
| 1377 | 1986 |
| 1378 | 2507 |
| 1379 | 3328 |
| 1380 | 3674 |
| 1381 | 5049 |
| 1382 | 5207 |
| 1383 | 5691 |

**جدول10. تعداد كتابهاي كودكان منتشر شده طي سالهاي 83-76**

|  |  |
| --- | --- |
| **سال** | **تعداد كتابهاي كودكان** |
| 1376 | 2870 |
| 1377 | 2612 |
| 1378 | 3108 |
| 1379 | 3528 |
| 1380 | 4972 |
| 1381 | 5479 |
| 1382 | 5578 |
| 1383 | 5143 |

**جدول11. تعداد كتابهاي منتشر شده توسط ناشران دولتي طي سالهاي 83-76**

|  |  |
| --- | --- |
| **سال** | **تعداد كتابهاي ناشران دولتي** |
| 1376 | 295 |
| 1377 | 345 |
| 1378 | 434 |
| 1379 | 560 |
| 1380 | 805 |
| 1381 | 652 |
| 1382 | 522 |
| 1383 | 486 |

**جدول12. تعداد كل كتابهاي منتشر شده در كشور طي سالهاي 83-76****[[8]](http://192.168.0.110/editor/main.htm%22%20%5Cl%20%22_ftn8%22%20%5Co%20%22)**

|  |  |
| --- | --- |
| **سال** | **تعداد كل كتابها** |
| 1376 | 15481 |
| 1377 | 17418 |
| 1378 | 21393 |
| 1379 | 24794 |
| 1380 | 32361 |
| 1381 | 36111 |
| 1382 | 37202 |
| 1383 | 39145 |

جدولهاي 6 تا 9 به مورد ب از فرضيه دوم و جدولهاي 10 و 11، به ترتيب به موارد ج و د، اشاره دارند. چنانكه ملاحظه مي‌شود، در تمامي موارد كم و بيش شاهد رشد سال افزون فراواني‌ها، متناسب با رشد منطقي تعداد كل كتابهاي منتشر شده در طي سالهاي مورد مطالعه هستيم. به منظور اثبات اين مدعا، از آزمون پيرسون براي نشان دادن همبستگي بين تعداد كل كتابهاي انتشاريافته و موارد مذكور در قسمتهاي الف، ب و ج استفاده شده است. نتايج اين آزمون در جدول شماره 13 نشان داده شده است:

|  |  |
| --- | --- |
| **تعداد كل كتابهاي منتشر شده** **بين سالهاي 76 تا 83** |   |
| ××952/0 | ضريب همبستگي | تعداد دانشگاهها و مراكز آموزش عالي دولتي بين سالهاي تحصيلي 77-1376 تا 83-1382 |
| 001/0 | P |
| 7 | تعداد |
| ××938/0 | ضريب همبستگي | تعداد دانشجويان دانشگاههاي دولتي بين سالهاي تحصيلي 77-1376 تا 83-1382 |
| 002/0 | P |
| 7 | تعداد |
| ××951/0 | ضريب همبستگي | تعداد واحدهاي دانشگاهي دانشگاه آزاد اسلامي بين سالهاي تحصيلي 77-1376 تا 84-1383 |
| 000/0 | P |
| 8 | تعداد |
| ×795/0 | ضريب همبستگي | تعداد دانشجويان دانشگاه آزاد اسلامي بين سالهاي تحصيلي 77-1376 تا 84-1383 |
| 018/0 | P |
| 8 | تعداد |
| ××986/0 | ضريب همبستگي | تعداد كتابهاي درسي منتشر شده بين سالهاي 76 تا 83 |
| 000/0 | P |
| 8 | تعداد |
| ××973/0 | ضريب همبستگي | تعداد كتابهاي كمك‌درسي منتشر شده بين سالهاي 76 تا 83 |
| 000/0 | P |
| 8 | تعداد |
| ××971/0 | ضريب همبستگي | تعداد كتابهاي كودكان منتشر شده بين سالهاي 76 تا 83 |
| 000/0 | P |
| 8 | تعداد |
| 653/0 | ضريب همبستگي | تعداد كتابهاي ناشران دولتي منتشر شده بين سالهاي 76 تا 83 |
| 79/0 | P |
| 8 | تعداد |

**جدول13. ضريب همبستگي بين تعداد كل كتابهاي منتشر شده**

**و موارد مذكور در قسمتهاي ب، ج و د، از فرضيه دوم**

بر اساس نتايج به دست آمده از آزمون همبستگي پيرسون كه در جدول 13 آمده است، بين تعداد دانشگاهها و مراكز آموزشي عالي دولتي و تعداد واحدهاي دانشگاهي دانشگاه آزاد اسلامي با تعداد كل كتابهاي منتشر شده در كشور طي سالهاي 76 تا 83 رابطه‌اي مستقيم و معنادار وجود دارد. همچنين اين رابطه مستقيم و معنادار بين تعداد دانشجويان دانشگاههاي دولتي و آزاد با كل كتابهاي منتشر شده در اين سالها نيز مشاهده مي‌شود. هرچند سنجش اين ارتباط در مقوله‌اي جداگانه كاري الزامي است، ليكن اين امر نشان مي‌دهد كه طي اين سالها با افزايش تعداد مراكز آموزش عالي و دانشجويان اين مراكز و افزايش نياز به كتاب براي دانشجويان، بازار كتاب نيز با افزايش برونداد مواجه شده است. بين ميزان انتشار كتابهاي درسي و كل كتابهاي منتشر شده بين سالهاي 76 تا 83 و همچنين بين ميزان انتشار كتابهاي كمك‌درسي و كودكان با كل كتابهاي منتشر شده بين سالهاي مزبور، رابطه‌اي مستقيم و معنادار وجود دارد؛ بدين معنا كه افزايش ميزان انتشار كتابها بين اين سالها، تحت تأثير افزايش اين گونه كتابها بوده است.

تعداد كتابهاي منتشر شده توسط ناشران دولتي در سالهاي فوق، هرچند رابطه مستقيم با افزايش ميزان انتشار كل كتابها در اين سالها دارد، ليكن اين رابطه بسيار ضعيف بوده و معنادار نيست. بر همين اساس، مي‌توان استنباط نمود كه تلاش ناشران دولتي و روند افزايش كتابهاي منتشر شده از سوي آنان تأثير چنداني بر روند رشد انتشار كتابها بين سالهاي 76 تا 83 نداشته است و صرفاً روند افزايش متعارف خود را طي نموده است. اين امر ممكن است به متغيرهاي ديگري وابسته باشد كه از ديد محقق به دور مانده‌اند و بايد در مقوله‌اي جداگانه به آن پرداخته شود. بدين ترتيب، درستي قسمتهاي ب، ج و د، در فرضيه دوم اثبات مي‌شود.

**نتيجه‌گيري**

چنانكه در بحثهاي مربوط به مندرجات جدول 1ـ3 آمد، 4 پرسش از فرضيه كلي كه مربوط به عوامل درون‌سازماني نشر بودند مورد تأييد قرار گرفت و 6 پرسش از فرضيه كلي كه مربوط به عوامل برون سازماني بودند و بيشترين ارتباط را با ثبات اقتصادي، اجتماعي و سياسي نشر داشتند، مورد تأييد قرار نگرفت. اما در همه اين شش مورد، درصد موافقان در مقايسه با مخالفان (با حذف بي‌تفاوتها) بيش از 50 بود (دامنه 58% - 5/50%). بنابراين، با تقسيم عناصر متشكله، فرضيه كلي به دو خرده مقياس معيارهاي درون‌سازماني و برون‌سازماني، مي‌توان نتيجه گرفت كه خرده مقياس درون‌سازمانيِ فرضيه كلي مورد تأييد بوده و خرده مقياس برون‌سازمانيِ فرضية كلي تأييد نمي‌شود؛ اما به لحاظ نزديكي تعداد موافقان و مخالفان منتفي نيز تلقي نمي‌گردد.

فرضيه دوم تحقيق نيز كه فوايد مادي متأثر از يارانه‌هاي دولتي و سهولت امكانات فني نشر را مورد آزمون قرار داد، مورد تأييد قرار گرفت و نشان داد كه اين دو مورد يا تركيبي از آنها، بر افزايش توليد كتاب در سالهاي موردنظر، تأثير مثبت داشته‌اند.

بين افزايش مؤسسه‌هاي آموزشي و تعداد دانشجويان، تعداد كتابهاي درسي و كمك‌درسي و كتابهاي كودكان و كل كتابهاي منتشر شده در سالهاي مورد بررسي رابطه وجود دارد و تأثير اين موارد انكارناپذير است. در اين ميان، حجم كتابهاي منتشر شده توسط سازمانهاي دولتي با رشد سالانه كل كتابها همتراز نبوده است. به نظر ناشران، كتابهاي كودكان در رشد انتشار كتابها تأثير اساسي نداشته است، اما همبستگي بين تعداد اين دو در سالهاي متفاوت، مخالف نظر ناشران است.

تمامي اين موارد، اين انديشه را به ذهن متبادر مي‌سازد كه در دوره مورد مطالعه، نوعي آزادي با تأثير مثبت بر روند تأليف و ترجمه ـ از نوعي كه قبل از اين دوره تجربه نشده ـ وجود داشته است. هر چند براي رأي قطعي دادن در اين مورد بايد شرايط و آمار نشر در سالهاي آينده مورد بررسي قرار گيرد و با شرايط اين دوره مقايسه شود تا مشخص گردد كه آيا واقعاً چنين آزادي در اين دوره هشت ساله وجود داشته است يا نه.

**منابع**

- آذرنگ، عبدالحسين (1374). "دوره‌هاي عادي و بحراني نشر كتاب در ايران (1320-1370)". **دانشگاه انقلاب، ويژه كتاب و كتابخواني**. تهران: جهاد دانشگاهي،              50-37.

- آذرنگ، عبدالحسين (1354)."نشر كتاب در ايران". **نامه انجمن كتابداران ايران**.دوره 8.، 10- 9.

**- آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 77-1376**. تهران: مؤسسه پژوهش و
 برنامه­ريزي آموزش عالي، 1377.

**- آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيل 78- 1377**. تهران: مؤسسه پژوهش و
برنامه­ريزي آموزش عالي، 1378.

**- آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 79-1378**. تهران: مؤسسه پژوهش و
برنامه­ريزي آموزش عالي، 1379.

- **آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 80-1379**. تهران: مؤسسه پژوهش و
برنامه­ريزي آموزش عالي، 1380.

- **آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 81-1380**. تهران: مؤسسه پژوهش و
برنامه­ريزي آموزش عالي، 1381.

- **آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 82-1381**. تهران: مؤسسه پژوهش و
برنامه­ريزي آموزش عالي، 1382.

- **آمار آموزش عالي ايران، سال تحصيلي 83-1382**. تهران: مؤسسه پژوهش و
 برنامه­ريزي آموزش عالي، 1383.

- احمدي، عبدالرحيم (1337). "نظري به آمار كتابهاي چاپي در ايران". **سخن**.
دوره 9 ، 177- 168.

- بهروز، الف، (1370)."نگاهي به آمار كتابهاي كودكان و نوجوانان
(1358 ـ 1362)**"**،**كتابنما**، تهران: اسپرك، 448 ـ 445

- مرادي، نورالله (1358)."بررسي اجمالي نشر كتاب در سال 1357"، **نامه انجمن كتابداران ايران**، دوره 10، شماره 1 و 2. 8-1.

- مهدياني، عليرضا؛ مرتضوي، حسن (1382)." سيماي نشر كتاب در ايران طي دو دهه اخير"، **رهيافت**، شماره 31، پاييز و زمستان 31-24.

- "وضعيت چاپ و نشر كتاب در سالهاي اخير"، **سروش**، شماره 720، آذر 1373: 23-22.

-Chakava, Henry.- Kenya publishing: independence and available:www.bc.edu/bcrg/avp/soe/cihe/publications/pub- pdf/chakava.pdf.

1. استاد دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه فردوسي مشهد

2. دانشجوي كارشناسي ارشد علوم كتابداري و اطلاع­رساني دانشگاه فردوسي مشهد

1.Chakava, Henry

2.Kenya publishing: independence and dependence

1. بانك اطلاعاتي ناشران نيز، در خانه كتاب، توسط نمايندگي جهاني شابك تهيه و پشتيباني مي‌شود. اين بانك حاوي تمامي اطلاعات مربوط به ناشران، مانند نام، نشاني، شماره تلفن، زمينه فعاليت ناشر و ... است.

1. مرجع: آمار آموزش عالي ايران. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ريزي آموزش عالي، 1382.

2. مرجع: دانشگاه آزاد اسلامي، اداره كل فناوري اطلاعات و ارتباطات

1. مرجع، آمار مربوط به تعداد كتابهاي درسي، كمك­درسي، كودكان، ناشران دولتي و تعداد كل كتابهاي منتشر شده طي سالهاي 76 تا 83 ، بانك اطلاعات خانه كتاب ايران